

به نام خدا

نقش مدرسه در پرورش شخصیت و خودباوری دانش آموزان ابتدایی

مولفان :

خجسته نژاد کورکی

عطیه شعبانی

رضوان قاسمی نژاد رائینی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: نژاد کورکی، خجسته، ۱۳۵۶
عنوان و نام پدیدآور: نقش مدرسه در پرورش شخصیت و خودباوری دانش آموزان ابتدایی / مولفان
خجسته نژاد کورکی، عطیه شعبانی، رضوان قاسمی نژاد رائینی.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۴۳۶-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: مدرسه - دانش آموزان ابتدایی - پرورش شخصیت - خودباوری
شناسه افزوده: شعبانی، عطیه، ۱۳۵۲
شناسه افزوده: قاسمی نژاد رائینی، رضوان، ۱۳۷۱
رده بندی کنگره: Q۳۵۴۴
رده بندی دیویی: ۰۱۳/۴
شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۲۷۸۳۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: نقش مدرسه در پرورش شخصیت و خودباوری دانش آموزان ابتدایی
مولفان: خجسته نژاد کورکی - عطیه شعبانی - رضوان قاسمی نژاد رائینی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۴۳۶-۹
تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه :	۵
فصل اول : مفهوم شخصیت و خودباوری در دوران ابتدایی:	۹
تعریف شخصیت و اهمیت آن در دوران کودکی:	۱۲
مفهوم خودباوری و تفاوت آن با اعتماد به نفس:	۱۳
مراحل شکل‌گیری شخصیت در سنین ابتدایی:	۱۵
تأثیر مدرسه بر شخصیت‌سازی در مقایسه با خانواده:	۱۶
نقش محیط مدرسه در رشد شخصیت دانش‌آموزان:	۱۹
فضای فیزیکی و روانی مدرسه و تأثیر آن بر شخصیت کودک:	۲۱
روابط میان فردی در مدرسه (دانش‌آموز-معلم، دانش‌آموز-دانش‌آموز):	۲۴
احساس امنیت و آرامش در محیط مدرسه:	۲۷
اهمیت تعامل مثبت میان اولیا و مدرسه:	۲۹
فصل دوم : تأثیر معلم در پرورش خودباوری دانش‌آموزان:	۳۳
معلم به عنوان الگو و مشوق:	۳۵
روش‌های تشویق و تقویت مثبت:	۳۸
نقش بازخورد سازنده در تقویت اعتماد به نفس:	۴۲
توجه به تفاوت‌های فردی و استعدادی:	۴۴
برنامه‌های درسی و فوق برنامه مؤثر بر رشد شخصیت:	۴۷
محتوای درسی و ارتباط آن با آموزش مهارت‌های زندگی:	۴۹
فعالیت‌های گروهی و نقش آن در پرورش مهارت‌های اجتماعی:	۵۲
مسابقات، جشنواره‌ها و برنامه‌های تشویقی:	۵۴
تلفیق آموزش با بازی و هنر برای ارتقای خودباوری:	۵۵

فصل سوم : اهمیت مهارت‌های ارتباطی در پرورش شخصیت: ۵۹.....

آموزش مهارت‌های کلامی و غیرکلامی:..... ۶۱

تمرین همدلی، همکاری و احترام به دیگران:..... ۶۲

نقش بازی‌های گروهی در یادگیری تعاملات سالم:..... ۶۵

کاهش خجالت و اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان:..... ۶۶

نقش مشاوره و حمایت روانی در مدارس ابتدایی:..... ۶۹

جایگاه مشاور در مدرسه و تأثیر آن بر رشد شخصیتی:..... ۷۲

روش‌های شناسایی دانش‌آموزان با اعتماد به نفس پایین:..... ۷۴

راهکارهای مشاوره‌ای برای تقویت خودباوری:..... ۷۷

تعامل مشاور با خانواده و معلم:..... ۷۸

فصل چهارم : مشارکت والدین در تقویت شخصیت دانش‌آموزان: ۸۱.....

تعامل خانواده با مدرسه در مسیر تربیت شخصیت:..... ۸۲

آموزش خانواده‌ها برای تقویت روحیه و انگیزش فرزندان:..... ۸۵

هماهنگی بین روش‌های تربیتی خانه و مدرسه:..... ۸۹

برگزاری کارگاه‌های تربیتی برای والدین:..... ۹۱

ارزیابی و سنجش رشد شخصیت و خودباوری دانش‌آموزان:..... ۹۲

ابزارهای شناسایی ویژگی‌های شخصیتی در دوران ابتدایی:..... ۹۴

نتیجه‌گیری :..... ۹۸

منابع : ۱۰۱.....

مقدمه :

مدرسه به عنوان نخستین نهاد رسمی تربیتی پس از خانواده، نقشی بسیار مهم در شکل‌گیری شخصیت و تقویت خودباوری دانش‌آموزان ابتدایی ایفا می‌کند. این دوران، حساس‌ترین و تأثیرگذارترین مرحله از رشد کودکان است که بنیان‌های فکری، احساسی و رفتاری آن‌ها را می‌سازد. دانش‌آموز در مدرسه، برای نخستین بار در معرض تعاملات اجتماعی وسیع‌تر از خانواده قرار می‌گیرد و با مفاهیمی مانند مسئولیت‌پذیری، همکاری، رعایت قانون و احترام به دیگران آشنا می‌شود. معلمان در این فرآیند، نقش الگویی بی‌بدیلی دارند؛ آن‌ها با رفتار، گفتار و نگاه خود می‌توانند حس ارزشمندی و توانمندی را در وجود دانش‌آموز زنده کنند یا بالعکس، این احساس را سرکوب نمایند. احمدی، س. (۱۳۹۸).

محیط مدرسه می‌تواند زمینه‌ساز رشد فردی و اجتماعی باشد اگر بر اساس اصول روان‌شناختی و تربیتی درست سازمان‌دهی شود. وقتی فضای مدرسه بر پایه پذیرش، احترام متقابل و تشویق طراحی می‌شود، کودکان با احساس امنیت روانی وارد مسیر یادگیری می‌شوند. کودکانی که در چنین محیطی قرار می‌گیرند، کمتر دچار اضطراب، ترس و احساس ناتوانی می‌شوند. برعکس، فضای رقابتی ناسالم، سرزنش، مقایسه و بی‌توجهی، مانع بزرگی بر سر راه رشد شخصیت کودک خواهد بود. مدرسه‌ای که تنها به آموزش مفاهیم درسی توجه دارد، نمی‌تواند تأثیر بلندمدتی در پرورش شخصیت سالم داشته باشد. در کلاس‌های ابتدایی، برخورد معلم با خطاهای دانش‌آموز بسیار اهمیت دارد. اگر خطا به عنوان بخشی از فرآیند یادگیری پذیرفته شود و معلم با مهربانی و راهنمایی به آن واکنش نشان دهد، دانش‌آموز احساس شکست نخواهد کرد. برعکس، برخورد سخت‌گیرانه و تنبیه‌گرانه می‌تواند اعتمادبه‌نفس او را تضعیف کرده و ترس از شکست را در ذهن او نهادینه سازد. کودکی که اعتمادبه‌نفس ندارد، از ابراز نظر، پرسیدن سؤال یا انجام کارهای جدید خودداری می‌کند و در نتیجه فرصت یادگیری را از دست می‌دهد. در حالی که کودک با اعتمادبه‌نفس، جسارت تجربه کردن دارد و این امر موجب شکوفایی استعدادهایش خواهد شد. سبجانی، م. (۱۳۹۹).

یکی دیگر از عوامل مهم در پرورش شخصیت، وجود فرصت‌هایی برای ابراز وجود و مشارکت در فعالیت‌های جمعی است. مدرسه‌ای که برنامه‌هایی مانند نمایش، بازی‌های گروهی، مسئولیت‌پذیری در کلاس و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها را فراهم می‌کند، زمینه‌ساز پرورش حس مسئولیت، خودارزشی و خلاقیت در کودکان خواهد شد. دانش‌آموزی که نظر او شنیده می‌شود و نقش او در جمع دیده می‌شود، بیشتر احساس تعلق می‌کند و در خودباوری رشد می‌یابد. این احساس تعلق اجتماعی، یکی از پایه‌های اصلی شخصیت سالم در دوران بزرگسالی است. مدیریت مدرسه و سیاست‌های آن نیز نقشی بنیادین در این مسیر دارند. اگر مدیریت مدرسه به ارتقای سلامت روانی دانش‌آموزان اهمیت دهد، آموزش مهارت‌های زندگی، برگزاری کارگاه‌های روانشناسی، برنامه‌ریزی برای مشاوره و تعامل والدین و معلمان را در دستور کار قرار خواهد داد. دانش‌آموزانی که در چنین محیطی پرورش می‌یابند، هم از نظر تحصیلی موفق‌ترند و هم از نظر روانی با ثبات‌تر. چون مدرسه نه تنها به "آموزش" بلکه به "پرورش" توجه دارد. مشارکت خانواده نیز در این فرآیند ضروری است. مدرسه نمی‌تواند به تنهایی بار پرورش شخصیت را بر دوش کشد. ارتباط مستمر بین والدین و مدرسه، تبادل اطلاعات درباره وضعیت روحی و رفتاری کودک، هماهنگی در روش‌های تربیتی و حمایت از اقدامات مدرسه، از عواملی هستند که نقش تعیین‌کننده در تقویت خودباوری کودک دارند. زمانی که والدین و معلمان، یک زبان مشترک در تشویق و هدایت کودک داشته باشند، زمینه برای رشد متوازن شخصیت فراهم‌تر می‌شود. از دیگر جنبه‌های مهم، توجه به تفاوت‌های فردی میان دانش‌آموزان است. هر کودک توانایی‌ها، علایق، نیازها و سبک یادگیری خاص خود را دارد. مدرسه‌ای که به این تفاوت‌ها احترام می‌گذارد و برای هر کودک فرصت مناسب رشد فراهم می‌آورد، در واقع بذر خودباوری را در جان او می‌کارد. معلمانی که با نگاه انسانی و نه صرفاً نمره‌محور با کودکان رفتار می‌کنند، می‌توانند مسیر تحول عظیمی در شخصیت آنان ایجاد کنند. نادری، خ، و سیف نراقی، م. (۱۳۹۲).

همچنین برخورد با شکست و ناکامی در مدرسه، فرصت مناسبی برای یادگیری مهارت‌های مقابله‌ای و تقویت تاب‌آوری است. اگر مدرسه بتواند به دانش‌آموز یاد دهد که شکست پایان راه نیست، بلکه فرصتی برای رشد و بازنگری است، در واقع او را برای چالش‌های بزرگ‌تری در آینده آماده کرده است. این نوع آموزش، خودباوری واقعی را تقویت می‌کند؛ نوعی باور که فرد را در

برابر مشکلات مقاوم و امید را در او زنده نگه می‌دارد. مدارس ابتدایی اگر از شیوه‌های تدریس خلاقانه، روش‌های ارزشیابی کیفی، تقویت فعالیت‌های گروهی، آموزش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی و ایجاد رابطه‌ای صمیمانه میان معلم و دانش‌آموز استفاده کنند، می‌توانند تحولی عمیق در شخصیت نسل آینده ایجاد کنند. کودکانی که با عزت‌نفس، مهربانی، اعتمادبه‌نفس و روحیه‌ی خلاق پرورش می‌یابند، در آینده نیز شهروندانی مسئول، آگاه و توانمند خواهند بود. بنابراین، نگاه به مدرسه نباید تنها نگاه به مکانی برای یادگیری ریاضی و علوم باشد. مدرسه باید خانه دوم کودکان باشد؛ جایی برای رشد، تجربه، خطا، یادگیری، دوستی، و شکوفایی. آینده‌ی جامعه از همین کلاس‌های ابتدایی آغاز می‌شود. وقتی کودکان احساس ارزشمندی می‌کنند، آینده نیز با ارزش‌تر خواهد شد. رضایی، م.، و کاظمی، ف. (۱۳۹۵)

فصل اول :

مفهوم شخصیت و خودباوری در دوران ابتدایی:

شخصیت یکی از مفاهیم کلیدی در روان‌شناسی رشد است که به مجموعه‌ای از ویژگی‌های پایدار در رفتار، نگرش، عواطف و تعاملات اجتماعی فرد اشاره دارد. شخصیت کودک در دوران ابتدایی در حال شکل‌گیری و تثبیت است و این مرحله از زندگی، فرصت‌های فراوانی برای جهت‌دهی درست به آن فراهم می‌آورد. کودک در این سنین، دنیای پیرامون را با دقت مشاهده می‌کند، تجربیات جدید را می‌آزماید و به مرور، الگوهای رفتاری خود را سامان می‌دهد. عوامل متعددی در شکل‌گیری شخصیت او مؤثرند که از جمله آن‌ها می‌توان به خانواده، مدرسه، گروه همسالان، رسانه‌ها و تجارب عاطفی اشاره کرد. در این میان، خانواده و مدرسه به عنوان دو نهاد اصلی تربیتی، نقش بنیادین در هدایت و جهت‌دهی به شخصیت کودک دارند.

شخصیت در دوران ابتدایی، بیشتر از طریق تجربه، تقلید و مشاهده شکل می‌گیرد. کودک آنچه را که از والدین، معلمان و افراد نزدیک خود می‌بیند، به تدریج درونی می‌سازد و آن را به عنوان بخشی از ویژگی‌های فردی‌اش می‌پذیرد. این ویژگی‌ها می‌تواند شامل صداقت، مسئولیت‌پذیری، اعتمادبه‌نفس، خلاقیت، یا برعکس، ترس، خودکم‌بینی، وابستگی و پرخاشگری باشد. اگر کودک در محیطی امن، محبت‌آمیز و پر از تشویق زندگی کند، شخصیت سالم‌تری خواهد داشت. اما محیط‌های پرتنش، تحقیرآمیز یا بی‌توجه، به تدریج کودک را به سمت الگوهای رفتاری ناسالم سوق می‌دهند. در کنار مفهوم شخصیت، خودباوری نیز یکی از ارکان مهم رشد فردی در دوران ابتدایی است. خودباوری یعنی داشتن احساس مثبت نسبت به خود، باور به توانایی‌ها و پذیرش نقاط ضعف و قوت شخصی. کودکی که خودباوری دارد، می‌داند که می‌تواند موفق شود، اشتباه کند، دوباره تلاش کند و رشد یابد. او از انجام فعالیت‌های جدید نمی‌ترسد، به راحتی نظرش را بیان می‌کند و در برابر مشکلات مقاومت نشان می‌دهد. در مقابل، کودک بدون خودباوری، همواره

در خود فرو می‌رود، از شکست می‌ترسد و از جمع دوری می‌جوید. چنین کودکی در آینده نیز احتمال کمتری برای رسیدن به موفقیت خواهد داشت. مهدوی، ن. (۱۳۹۱).

خودباوری حاصل یک فرآیند تدریجی است که از سنین کودکی آغاز می‌شود. این فرآیند تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند شیوه تربیت والدین، تجارب تحصیلی، تعامل با دیگران و تصویر ذهنی کودک از خود شکل می‌گیرد. والدینی که به کودک خود فرصت انتخاب، تجربه و تصمیم‌گیری می‌دهند، زمینه رشد خودباوری را فراهم می‌سازند. برعکس، والدینی که بیش از حد سخت‌گیر یا حمایت‌گر هستند، مانع از شکل‌گیری حس خودارزشی در کودک می‌شوند. در محیط مدرسه نیز برخورد معلم با عملکرد کودک، لحن صحبت، شیوه تشویق و حتی نگاه معلم می‌تواند تأثیرات عمیقی بر باورهای کودک نسبت به خودش داشته باشد.

در دوران ابتدایی، کودک هنوز در حال شناخت خود و دنیای اطراف است. او به دنبال پاسخ به این سؤال است که "من کی هستم؟" و "آیا خوب هستم؟". پاسخ‌هایی که کودک از اطرافیان می‌گیرد، تأثیر مستقیمی بر تصویری که از خود می‌سازد دارد. اگر معلم به کودک احترام بگذارد، او را تشویق کند و در موقعیت‌های مختلف موفقیت را برایش قابل دسترس سازد، کودک کم‌کم به این باور می‌رسد که "من می‌توانم"، "من باارزش هستم" و "من شایسته موفقیتیم". این باورها، پایه‌های خودباوری را تشکیل می‌دهند و در ادامه زندگی، همراه او خواهند ماند. شخصیت و خودباوری در دوران ابتدایی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. کودکی که خودباوری دارد، معمولاً شخصیتی فعال، اجتماعی، خلاق و پرنرژی دارد. برعکس، ضعف در خودباوری می‌تواند منجر به شکل‌گیری شخصیت گوشه‌گیر، منفعل یا وابسته شود. بنابراین، توجه به خودباوری کودک، در واقع توجه به سلامت روان و آینده شخصیت اوست. اگر جامعه، مدرسه و خانواده این نیاز را جدی بگیرند، بسیاری از مشکلات رفتاری و تحصیلی آینده نیز کاهش خواهد یافت. درک مفهوم شخصیت و خودباوری در این سن، به مربیان و والدین کمک می‌کند تا بهتر بتوانند رفتارها و نیازهای کودک را تحلیل و مدیریت کنند. هر کودکی ظرفیت بی‌ظنیری برای رشد و پیشرفت دارد، اما این ظرفیت‌ها تنها در بستر محبت، توجه و تشویق رشد خواهند کرد. کودکانی که شنیده

می‌شوند، دیده می‌شوند و پذیرفته می‌شوند، خود را ارزشمند می‌دانند و از توانایی‌هایشان برای رسیدن به اهداف استفاده می‌کنند. اما کودکانی که مدام سرزنش می‌شوند یا نادیده گرفته می‌شوند، کم‌کم از خود ناامید شده و این ناامیدی ممکن است تا بزرگسالی ادامه پیدا کند.

یکی از نکات مهم در این زمینه، تأکید بر موفقیت‌های کوچک کودک است. اگر یک کودک در یک کار کوچک موفق می‌شود، باید آن را به رسمیت شناخت و تحسین کرد. این موفقیت‌های کوچک، باور به توانایی‌های بزرگ‌تر را شکل می‌دهند. کودکانی که در کارهای روزمره احساس کفایت می‌کنند، در مواجهه با چالش‌های بزرگ‌تر هم اعتمادبه‌نفس بیشتری نشان می‌دهند. مدرسه و خانواده باید فضای تجربه، شکست و دوباره برخاستن را برای کودک فراهم کنند. همچنین نباید از نقش بازی، داستان، هنر و تعاملات غیررسمی در تقویت شخصیت و خودباوری غافل شد. این ابزارها، به کودک امکان می‌دهند خود را بیان کند، خلاقیتش را بروز دهد و جهان درون خود را بهتر بشناسد. از طریق بازی‌های گروهی، کودک مفهوم همکاری، رقابت سالم و پذیرش دیگران را درک می‌کند. از طریق نقاشی یا داستان‌سرایی، افکار و احساسات درونی‌اش را بازگو می‌کند. این ابزارها، مکمل آموزش رسمی هستند و در شکل‌گیری شخصیت متعادل و پویا نقش بسزایی دارند. خراسانی، ز. (۱۳۹۷).

در دوران ابتدایی، هر لحظه‌ی تعامل با کودک، فرصتی برای تقویت شخصیت و خودباوری اوست. یک لبخند، یک جمله مثبت، یک نگاه پر از توجه، می‌تواند دنیای درونی کودک را متحول کند. آموزش شخصیت و خودباوری نیازمند برنامه‌ریزی و طراحی دقیق نیست، بلکه نیازمند توجه عمیق، صداقت، احترام و عشق است. اگر این عناصر در روابط میان کودک و اطرافیان جاری باشد، شخصیت و خودباوری او نیز در مسیر درستی قرار خواهد گرفت. بنابراین، دوران ابتدایی نه تنها دوران یادگیری دروس درسی، بلکه مهم‌ترین زمان برای ساختن زیربنای شخصیت و خودباوری کودکان است. اگر در این دوران، به درستی به این نیازها پاسخ داده شود، کودک در مسیر رشد روانی و اجتماعی سالم قرار خواهد گرفت. اما اگر این مرحله نادیده گرفته شود، بسیاری از آسیب‌ها و مشکلات رفتاری در نوجوانی و بزرگسالی، ریشه در همین غفلت دارد.

شخصیت قوی و خودباوری بالا، سرمایه‌های بی‌بدیل برای آینده هر کودک است، سرمایه‌هایی که در کلاس درس و در آغوش توجه اطرافیان ساخته می‌شود. احمدی، س. (۱۳۹۸).

تعریف شخصیت و اهمیت آن در دوران کودکی:

شخصیت را می‌توان مجموعه‌ای از ویژگی‌های پایدار رفتاری، شناختی و هیجانی فرد دانست که الگوی منحصر به فردی از تفکر، احساس و کنش را شکل می‌دهند. این ویژگی‌ها، نحوه تعامل کودک با دیگران، واکنش او به رویدادهای زندگی و برداشتش از خود و جهان اطراف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، شخصیت نشان‌دهنده نوع خاصی از بودن است که کودک را از دیگران متمایز می‌کند. شخصیت، ثابت و ایستا نیست، بلکه در طول زندگی و به‌ویژه در دوران کودکی، به تدریج شکل می‌گیرد و در طی مراحل مختلف رشد، تحت تأثیر عوامل ژنتیکی، محیطی، فرهنگی و اجتماعی رشد می‌یابد. دوران کودکی، به‌ویژه سال‌های ابتدایی زندگی، نقش بنیادینی در شکل‌گیری شخصیت دارد. چرا که در این دوران، پایه‌های اصلی نگرش‌ها، عادات، سبک تعاملات اجتماعی، کنترل هیجانات و احساس امنیت روانی گذاشته می‌شود. کودک در این سن، نسبت به تأثیرات محیطی بسیار حساس است و به راحتی از رفتار و نگرش اطرافیان الگو می‌گیرد. ارتباط کودک با والدین، معلمان، همسالان و دیگر افراد، بازخوردهایی را برای او ایجاد می‌کند که به تدریج تصویری از "خود" در ذهنش شکل می‌دهد؛ این تصویر پایه‌گذار شخصیت او در آینده خواهد بود. نادری، خ. و سیف نراقی، م. (۱۳۹۲).

اگر کودک در محیطی پر از محبت، احترام، درک و امنیت روانی رشد کند، احتمال اینکه شخصیتی متعادل، پایدار، مهربان و خودباور پیدا کند بسیار بیشتر است. برعکس، تجربه بی‌توجهی، تنبیه‌های نامتناسب، طرد یا مقایسه‌های منفی، می‌تواند منجر به شکل‌گیری ویژگی‌های منفی در شخصیت کودک شود، مانند احساس بی‌ارزشی، اضطراب، پرخاشگری یا انزواطلبی. شخصیت سالم در کودکی، به معنای برخورداری از توانایی درک خود و دیگران، مدیریت هیجانات، مسئولیت‌پذیری، همدلی و اعتماد به نفس است.

اهمیت شخصیت در کودکی، نه تنها به دلیل تأثیر مستقیم آن بر رفتارها و روابط کنونی کودک است، بلکه به دلیل تأثیرات بلندمدتی است که بر کیفیت زندگی آینده او دارد. شخصیت کودک، مبنای تصمیم‌گیری‌های آینده، شیوه مواجهه‌اش با چالش‌ها، موفقیت‌های تحصیلی و شغلی، و حتی سلامت روانی و اجتماعی او خواهد بود. بسیاری از مشکلات دوران نوجوانی و بزرگسالی، ریشه در اختلالات شخصیتی دوران کودکی دارند. به همین دلیل، توجه به شکل‌گیری شخصیت در کودکان، از جمله وظایف حیاتی خانواده‌ها، مدارس و نظام تربیتی است. شخصیت کودکان قابل هدایت و تغییر است؛ به همین دلیل، دوران کودکی بهترین فرصت برای پرورش ویژگی‌های مثبت شخصیتی مانند راست‌گویی، همکاری، خلاقیت، استقلال و تاب‌آوری است. اگر در این دوران، محیطی حمایت‌گر، آموزش‌دهنده و سرشار از فرصت‌های یادگیری فراهم شود، شخصیت کودک در مسیر صحیح رشد خواهد کرد. شناخت ویژگی‌های فردی کودک، احترام به تفاوت‌های شخصیتی، و ایجاد فرصت‌هایی برای خودابرازگری، مسیر شکوفایی شخصیت را هموار می‌سازد. پرورش شخصیت سالم در دوران کودکی، یعنی ساختن زیربنای انسان‌هایی متعادل، توانمند و مسئولیت‌پذیر در جامعه. از این‌رو، سرمایه‌گذاری بر شناخت و پرورش شخصیت کودکان، سرمایه‌گذاری بر آینده‌ای روشن و انسانی‌تر است.

مفهوم خودباوری و تفاوت آن با اعتماد به نفس:

خودباوری به معنای باور و پذیرش ارزشمندی و توانایی‌های ذاتی خویش است. این باور، درونی و پایدار بوده و به فرد کمک می‌کند که با وجود موانع، ناملایمات و شکست‌ها، همچنان احساس ارزشمندی کند و به رشد فردی خود ادامه دهد. خودباوری یعنی این‌که فرد خود را شایسته و لایق بداند، حتی در شرایطی که دیگران ممکن است او را نادیده بگیرند یا توانایی‌هایش را زیر سؤال ببرند. خودباوری برخلاف باور عمومی، تنها به توانایی انجام کارها محدود نمی‌شود، بلکه به نگرش کلی فرد نسبت به خود، احساس هویت، و پذیرش تمام جنبه‌های مثبت و منفی شخصیتش مربوط است. در حالی که اعتماد به نفس بیشتر ناظر بر توانمندی فرد در انجام امور خاص یا موفقیت در وظایف مشخص است، خودباوری احساسی ژرف‌تر و بنیادین‌تر است. برای مثال،

ممکن است فردی در کاری مانند نقاشی یا سخنرانی اعتماد به نفس بالایی داشته باشد اما در عین حال خودباوری نداشته باشد و در اعماق وجودش احساس کند که به اندازه کافی خوب نیست یا ارزشمند نیست. به عبارت دیگر، اعتماد به نفس می‌تواند در یک حوزه وجود داشته باشد و در حوزه‌ای دیگر نه، اما خودباوری بر کل وجود فرد سایه می‌افکند و برداشت کلی او از خودش را مشخص می‌سازد.

کودکی که خودباوری دارد، حتی اگر در امتحانی نمره پایینی بگیرد، همچنان خود را دوست دارد، احساس بی‌ارزشی نمی‌کند و شکست را تجربه‌ای برای یادگیری می‌داند. اما کودکی که تنها اعتماد به نفس دارد و خودباوری‌اش ضعیف است، ممکن است پس از یک شکست، احساس بی‌کفایتی کند و تصور کند که ارزشش در موفقیت‌ها تعریف می‌شود. چنین کودکی ممکن است در برابر ناکامی‌ها زود ناامید شود و به راحتی خود را سرزنش کند، چرا که ستون اصلی هویت او، که همانا خودباوری است، استوار نشده است.

خودباوری ریشه در تجربه‌های اولیه کودک، کیفیت روابط او با والدین و مربیان، و نوع بازخوردهایی دارد که در طول زمان دریافت می‌کند. اگر کودک در محیطی رشد کند که مورد تشویق، پذیرش و محبت بی‌قید و شرط قرار گیرد، یاد می‌گیرد که خود را دوست بدارد و احساس ارزشمندی کند. در چنین فضایی، اشتباهات به جای آنکه دلیلی بر بی‌ارزشی تلقی شوند، فرصتی برای رشد و یادگیری خواهند بود. برعکس، اگر کودک مدام مقایسه شود، تحقیر گردد، یا مورد بی‌توجهی قرار گیرد، ممکن است اعتماد به نفس ظاهری داشته باشد اما از درون دچار احساس ناکارآمدی و بی‌ارزشی شود.

اعتماد به نفس اغلب با عملکرد بیرونی و بازخوردهای اجتماعی تقویت می‌شود؛ مثلاً تشویق معلم به خاطر پاسخ درست به یک سوال، یا تحسین دوستان برای موفقیت در یک بازی. اما خودباوری نیاز به تأیید بیرونی ندارد. کودک خودباور حتی اگر کسی او را تحسین نکند، در درون خود احساس رضایت می‌کند. او یاد گرفته که خودش را بدون قید و شرط بپذیرد و برای خودش ارزش قائل باشد. به همین دلیل، خودباوری بیشتر از اعتماد به نفس در برابر تلاطم‌های زندگی مقاومت

دارد و می‌تواند کودک را در مسیر رشد پایدار و موفقیت واقعی همراهی کند. در فرآیند تربیت، توجه به خودباوری اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا سنگ‌بنای عزت نفس سالم و شخصیت متعادل در بزرگسالی را شکل می‌دهد. اگر والدین و معلمان صرفاً بر اعتماد به نفس تأکید کنند، بدون اینکه حس ارزشمندی را در کودک تقویت کنند، ممکن است کودک دچار بحران هویت و ناپایداری روانی شود. او در مواقعی که موفق نیست، خود را بی‌ارزش می‌پندارد و انگیزه‌اش را از دست می‌دهد. اما کودک خودباور، هر بار که زمین می‌خورد، دوباره برمی‌خیزد و ادامه می‌دهد. تفاوت دیگر این دو در دوام آن‌هاست. اعتماد به نفس ممکن است بسته به موقعیت تغییر کند، اما خودباوری حالتی پایدار و بلندمدت دارد. خودباوری مثل ریشه‌های عمیق درختی است که حتی اگر باد شاخه‌ها را بلرزاند، درخت را از جا نمی‌کند. به همین خاطر، در تعلیم و تربیت کودکان، پرورش خودباوری باید در اولویت قرار گیرد، چون این خودباوری است که کودک را در مسیر درست رشد فردی، اجتماعی و تحصیلی هدایت می‌کند. سبحانی، م (۱۳۹۹).

مراحل شکل‌گیری شخصیت در سنین ابتدایی:

شکل‌گیری شخصیت در سنین ابتدایی فرآیندی تدریجی و پویاست که از سال‌های اولیه زندگی آغاز می‌شود و تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله وراثت، محیط خانواده، مدرسه و ارتباط با همسالان شکل می‌گیرد. کودک در این دوران به تدریج یاد می‌گیرد چگونه احساسات خود را بیان کند، خواسته‌هایش را مطرح نماید، با دیگران ارتباط برقرار کند و مسئولیت‌های ابتدایی را بپذیرد. این مراحل رشد به صورت پیوسته اتفاق می‌افتند و هر مرحله، زمینه‌ساز مرحله بعدی است.

در سال‌های ابتدایی، کودک بیشتر از طریق مشاهده و تقلید از والدین و مراقبان نزدیک خود، الگوهای رفتاری را می‌آموزد. احساس امنیت عاطفی که از این روابط به دست می‌آید، نقش مهمی در شکل‌گیری پایه‌های شخصیتی کودک دارد. در این سنین، اولین برداشتهای خود و دیگران در ذهن کودک شکل می‌گیرد و او می‌آموزد که آیا فردی دوست‌داشتنی، توانمند و قابل احترام است یا خیر. با ورود به مدرسه، مرحله تازه‌ای در شکل‌گیری شخصیت آغاز می‌شود. کودک اکنون